



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ ۸ آذر ۸۹

مصادف ۲ باذی الحجه ۱۴۳۱

جلسه:

موضوع کلی: مشکلات جوامع حدیثی

موضوع جزئی: علل و اسباب

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در مشکلات در جوامع حدیثی و مجامیع حدیثی، به اینجا رسید که نقل و انتقال روایات، از اصول اربعه‌ا به جوامع اولیه و از جوامع اولیه به جوامع ثانویه و مجامیع، مشکلاتی در نقل حدیث به وجود آورد. علل و اسباب این مشکلات چند امر است. اولین عامل کوتاه کردن سند با تکیه بر قرائن است به این معنی که در کتب و اصول اولیه، بخاطر قرائنی که وجود داشت اسناد روایات کوتاه شده بود ولی در انتقال روایات از کتب، به جوامع و مجامیع، قرائن، نادیده گرفته شد و یا منتقل نشد و باعث بروز اشتباهات و مشکلاتی در اسناد روایات گردید.

عرض کردیم برای کوتاه کردن سند با تکیه بر قرائن چهار روش وجود دارد که در جلسه گذشته به سه روش اشاره کردیم و یک روش دیگر باقی ماند که در ذیل ذکر میکنیم.

۴. ادغام اسناد. گاهی اوقات اسناد در هم ادغام میشوند و غرض از این کار، کوتاه کردن سند است. مؤلف برای اینکه دچار تکرار نشود با توجه به قرائنی که وجود دارد، اسناد را در هم ادغام می کند. مثلاً به این سند توجه کنید، علیینابراهیم عن ابیه و محمدبناسماعیل عن الفضلبنشاذان عن صفوان و ابنایعمر جمعياً عن معاویه - بنعمار عن ابیعبداالله (ع) قال... ، در اینجا محمدبناسماعیل به وسیله او و حیلولة، به ما قبل خودش عطف شده، این او، را حیلولة گویند، چون دو طبقه از راویان را به دو طبقه دیگر، عطف کرده است، علیینابراهیم عن ابیه، در دو طبقه هستند، محمدبناسماعیل عن الفضلبنشاذان هم، در دو طبقه قرار دارند که بر هم عطف شده‌اند. عطف دومی هم، در این روایت هست و آن، عطف ابنایعمر بر صفوان است، البته اینها در یک طبقه قرار دارند. در اینجا چهار سند در هم ادغام شده اند به این نحو که علیینابراهیم عن ابیه و محمدبناسماعیل عن الفضلبنشاذان دو سند هستند و صفوان و ابنایعمر هم دو تا سند هستند که در هم ادغام شده‌اند و کلمه «جمعياً»، قرینه بر این ادغام است، یعنی چهار سند در هم ادغام شده‌اند که اگر می خواست این روایات، جداگانه ذکر شود باید با چهار سند جداگانه ذکر میشد.

پس ادغام سند، یکی از روشهای مهم کوتاه کردن سند است، ادغام سند، در منابع اولیه مشکلی ایجاد نمیکرد ولی در نقل و انتقال روایات به جوامع و مجامیع روایی، قرائتی که دال بر ادغام سند بود، حذف شده و این باعث ایجاد مشکل در اسناد روایات گردید. کتابهایی از جمله: بحارالانوار، وسائل الشیعه، کتب اربعه و... دچار این مشکل هستند.

به طور کلی این مسئله در تشخیص سند مهم است چون مرحله اول در اطمینان به صدور روایت، تشخیص سند است. تشخیص سند، متوقف بر این است که سند درست ذکر شده باشد، با توجه به ادغامهایی که در اسناد، صورت گرفته است، تشخیص سند مشکل است، وقتی تشخیص سند مشکل باشد بررسی سند از جهت اعتبار و عدم اعتبار با مشکل روبرو میشود.

ب) استنساخ و رو نویسی.

عامل دوم بروز مشکلات در نقل حدیث مسئله استنساخ و رو نویسی است. با توجه به اینکه تنها راه تکثیر کتب در گذشته استنساخ و رونویسی بوده، در موقع استنساخ، بواسطه اشتباه در نوشتن، اشتباه در کلمات مشابه، حذف اسمی در سند، تبدیل و تغییر کلمات و یا کم و زیاد شدن نقطهها و... مشکلات زیادی در اسناد بوجود آمد. مثلاً گاهی کلمه «عن» در موقع استنساخ تبدیل به «بن» میشد «عن صفوان» به «بن صفوان» تبدیل میشد.

ج) تقسیم محتوایی مطالب توسط مؤلفین جوامع روایی.

عامل سوم در پدید آمدن مشکلات، مسئله دسته بندی محتوایی مطالب روایات است. در نقل و انتقال احادیث از کتب اولیه به جوامع روایی، دو جابجائی، صورت گرفته است. ابتدا احادیث تدوین شده و هدف این بوده که به این طریق جلو از بین رفتن احادیث گرفته شود و بعداً نسلهای بعدی بخاطر دسترسی آسانتر به احادیث، آنها را دسته بندی و تبویب نمودند. عمده مشکلی که تبویب احادیث ایجاد کرد، تقطیع روایات میباشد. تقطیع علاوه بر اینکه در دلالت روایت، مشکل ایجاد میکند در سند روایت هم باعث بروز مشکل میشود تا جائیکه گاهی صدر روایت در یک باب و ذیل آن در باب دیگری آمده که گمان میشود اینها دو روایت هستند، در حالیکه روایت واحدی هستند. یکی از کتبی که در آن تقطیع زیاد اتفاق افتاده است کتاب وسائل الشیعه است.

نکته: برای اینکه مشکلات بوجود آمده در اسناد روایات را بهتر بشناسیم تا بتوانیم سند را تشخیص دهیم و به تنقیح آن بپردازیم باید با علم رجال و روش علما در تدوین و تبویب احادیث، آشنائی کامل داشته باشیم مثلاً باید با روش کلینی، شیخ طوسی، شیخ صدوق و... آشنا باشیم و بهترین راه این است که همیشه به سند اصلی و منبع اصلی احادیث رجوع شود. مثلاً در موارد زیادی روایتی را که تهذیب از کلینی نقل کرده با نقل خود مرحوم کلینی متفاوت است.

آشنایی با کتب اربعه:

یکی از مسائل مهم که باید توجه شود آشنایی با کتب اربعه است در مورد کتب اربعه، اولین کتابی که مورد توجه است اصول کافی است. یک نکته ای که در رابطه با کتب اربعه وجود دارد این است که تمام اخباریین و بسیاری از اصولیین معتقدند روایاتی که در کتب اربعه ذکر شده صحیح میباشد. مرحوم حاج آقا رضا همدانی مؤلف کتاب مصباح الفقیه، مرحوم نائینی و... معتقدند روایاتی که در کتب اربعه آمدهاند برای وثوق به صدور کافی است. صاحب حدائق در مقدمه کتاب خودش میگوید: روایات کتب اربعه صحیح میباشد^۱. همچنین از قول مرحوم نائینی نقل شده که ایشان میفرماید: مناقشه در اسناد روایات کافی حرفه عاجز است. البته این مبتنی بر این است که قائل باشیم به اینکه موثوق الصدور بودن روایت، برای حجیت روایت کفایت میکند. مبانی در باب حجیت خبر متفاوت است بعضی میگویند خبری حجت است که راوی آن ثقة باشد و بعضی موثوق الصدور بودن را برای حجیت کافی میدانند.

بحث جلسه آینده: بررسی کتب اربعه خواهد بود.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. الحدائق الناظره، ج ۱، ص ۱۴.